

غسل تعمید تصویر و هدف آن



دکتر پیتز مسترز

ترجمه دکتر م. بهنام

غسل تعمید
تصویر و هدف آن

چاپ نخست

حق چاپ محفوظ است © ۲۰۱۱

نوشته دکتر پیتر مسترز

ترجمه دکتر م. بهنام

Baptism: The Picture and its Purpose

© Peter Masters 1994, 1998

ISBN 1 89904601 1

(Persian/Farsi Translation)

Translator: Dr. M. Behnam

SWORD & TROWEL
Metropolitan Tabernacle
Elephant & Castle
London SE1 6SD

For further orders contact the Metropolitan Tabernacle, or the contact details given below:

P.O. BOX 1079
Cheltenham
GL50 9NU
England

www.parsaweb.org
post@parsaweb.org

برای درخواست بیشتر این کتابچه، پرسش‌ها و دیگر کتب با آدرس‌های ذکر شده تماس بگیرید.

غسل تعمید تصویر و هدف آن

«پس رفته، همهٔ امتها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح القدس تعمید دهید» (انجیل متی ۲۸: ۱۹). توبه کنید و هر یک از شما به اسم عیسی مسیح بجهت آمرزش گناهان تعمید گیرید...» (اعمال رسولان ۲: ۳۸).

در عهد جدید رابطه‌ای جدا نشدنی بین «تحول روحانی» و «غسل تعمید» می‌یابیم. هر چند این دو با هم تفاوت دارند: یکی تحولی روحانی است و دیگری، عملی کاملاً فیزیکی. تحول روحانی حیاتی تازه است که از بالا داده می‌شود، در صورتی که تعمید عمدتاً توسط شبان یا یکی از مشایخ کلیسا اجرا می‌شود. تحول روحانی، کاری قدرتمند و درونی است، تعمید فقط تصویری بیرونی بوده و به خودی خود هیچگونه توانی برای نجات جان ندارد.

با این حال، در عهد جدید توبه و تحول روحانی از تعمید جدا نشدنی‌اند. آنچه که اصل است، تحول روحانی است و تعمید فقط تصویری از آن است. لذا هر جا که تحول روحانی صورت می‌گیرد، تعمید هم باید در پی آن باشد. آیهٔ ۳۶ فصل ۸ اعمال رسولان مثالی را ارائه می‌دهد: خواجه سرای حبشی به خداوند ایمان آورده و خیلی زود می‌پرسد: «... از تعمید یافتنم چه چیز مانع می‌باشد؟». اگر چه تعمید برای فرد ضروری نیست (چگونه می‌تواند باشد، وقتی بعد از تحول روحانی رخ می‌دهد؟) اما به صورت بسیار روشنی توسط خداوند عیسی مسیح درخواست شده است و ایمان آورندگان مسیحی در اطاعت به او بایستی تعمید گیرند.

غسل تعمید یکی از مراسم دینی مسیحیت است، بدین معنی که خداوند عیسی مسیح شخصاً بدان فرمان داده است. فقط ۲ رسم دینی مهم وجود دارد که کلیسای مسیح آنها را بجا می‌آورد: غسل تعمید و شام ربانی، که هر دو آنها توسط خداوند به رسمیت رسیده‌اند. هر دو آنها در ماهیت، جلوه‌گر کار نجات دهنده مسیح و رابطه جدید روحانی بین او و قوم برگزیده‌اش هستند. هر دو طراحی شده‌اند تا به مسیح جلال و اکرام بخشیده و همچنین بانی قوت و برکت قومش گردند. لذا بسیار مهم است که معنی آنها را درست درک کنیم.

به روشنی پیداست که در عهد جدید هر ایمانداری داوطلبانه فرمان خداوند را مبنی بر تعمید گرفتن اطاعت می‌کرد. به عنوان مثال در اول قرن‌تین ۱۲: ۱۳ می‌خوانیم: «زیرا که جمیع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم، خواه یهود، خواه یونانی، خواه غلام، خواه آزاد». چنانکه مفسرین عقیده دارند، این به عمل فیزیکی تعمید اشاره می‌کند. «جان کالوین» (یکی از مفسرین) چنین می‌گوید: «البته پولس، در مورد تعمید ایمانداران صحبت می‌کند». در این آیه پولس یقین دارد که همه ایماندارانی که در کلیسای قرنتیه مشارکت دارند، تعمید گرفته‌اند. به همین رو او فرض مسلم می‌گیرد که همه اعضای کلیسای کولسی نیز تعمید دارند، زمانی که به آنها می‌نویسد: «... در تعمید با وی [مسیح] مدفون گشتید» (کولسیان ۲: ۱۲). پولس وقتی که به غلاطیان می‌نویسد (غلاطیان ۳: ۲۷) آنها را که تعمید گرفته‌اند برابر می‌داند با آنهایی که «مسیح را در بر [گرفته‌اند]» یا او را «در بر کرده‌اند» به عبارت دیگر همه ایمانداران تعمید گرفته‌اند.

فواید تعمید

پرسش مهم برای ما این است که «چرا خداوند بر تعمید همه ایمانداران تأکید می‌ورزد؟»

اهمیت تعمید چیست؟ و چه چیزی آنرا مهم می‌سازد، به ویژه در سایه این حقیقت که اجرای آن هیچ نقش روحانی در نجات فرد ندارد؟ پاسخ این است که خداوند این رسم را طراحی کرده تا مسیحیان را در زندگی و ایمانشان استوار سازد، کلیسا را حفظ و تقویت کرده و طبیعت کلیسای مسیحی را به جهانیان نمودار سازد.

به همین جهت اگر این رسم دینی به فراموشی سپرده شود یا به نحو نادرستی اجرا گردد، هدفی که خداوند در نظر داشته، بدست خادمینی که بایستی به او وفادار باشند، مخدوش شده و به کنار گذاشته می‌شود.

قبل از اینکه به جنبه‌های مختلفی که تعمید بدانها اشاره می‌کند، نگاهی بیندازیم، بگذارید تا ببینیم چگونه تعمید به گروه‌هایی که در بالا ذکر شدند کمک می‌کند:

اولاً تعمید به تک تک افراد ایماندار در درک تجربهٔ روحانی شان کمک می‌کند: بدین نحو که آنچنان تجربهٔ "تحول روحانی" را در ذهنشان بیدار می‌سازد که حس سپاسگزاری و قدردانی در آنها تحریک شده و اطمینانشان از نجات قوت می‌گیرد. بعلاوه در می‌یابند هر چند تحول روحانی در آنها امری نامرئی و درونی بوده و تنها خداوند از آن آگاه است، اما حال باید بنوعی بروز داده شود و در برابر دیده‌گان نظاره‌گر دنیا زندگی کنند. لذا با خود عهد می‌بندند که خداوند را اطاعت کرده و در هر شرایطی به او وفادار بمانند.

دوماً، تعمید به کلیسا کمک می‌کند: زیرا همانگونه که «شام ربّانی» خاطرهٔ صلیب جُلجُتا را در نظرمان زنده نگاه می‌دارد، تعمید نیز تحول روحانی را. بیاد می‌آوریم که تحول روحانی نهایت آرزویمان است و اینکه هر بار مراسم تعمید در کلیسا اجراء می‌شود، ایمانداران ناظر عمیقاً به شوق آمده، متأثر شده و تشویق می‌شوند تا کلام نجات بخش را به دیگران نیز برسانند.

ما «کهانّت ملو کانه» داریم که هدف نهایی ان این است که «فضایل او را ... اعلام» کنیم که خداوند ما است (اول پطرس ۲: ۹) و مردان و زنان را به ایمان آوردن به او بخوانیم. تعمید، ضرورت بشارت انجیل را در سر فصل برنامهٔ کلیسا قرار می‌دهد و این چیزی است که مد نظر خداوند است.

سوماً، تعمید، غیر ایماندارانی را که در تماس با کلیسا قرار می‌گیرند کمک می‌کند تا دریابند، خط روشنی، آنهایی را که نجات یافته‌اند از گناهکاران جدا می‌سازد. عدّهٔ زیادی، طبعاً وارد کلیساهای ما شده و انجیل را که بشارت داده می‌شود، می‌شنوند. به مرور زمان ما به حضورشان عادت می‌کنیم و آنها هم به شنیدن کلام خدا عادت می‌کنند. گاهی آنان در همان سطح علاقه و حق جویی می‌مانند و مسیحی ظاهری

می‌شوند. ولی در مواجهه با تعمید دیگران، به خود آمده و در می‌یابند که بایستی به ندای خداوند پاسخ دهند، زیرا هیچ چیز غیر از دریافت حیات دوباره، باعث مسیحی شدن آنها نمی‌شود. بدین گونه، گذشتن از آب تعمید، با آنها که «تقریباً ایمان آورده‌اند» صحبت می‌کند.

تا آنجا که به افراد بی‌ایمان مربوط می‌شود، غسل تعمید مانع اصلی پیوستن به عضویت کلیسا است. تعمید می‌گوید که برای پیوستن به خانواده الهی و عضویت کلیسا، تجربه تحول روحانی ضروری است. قبل از اینکه کسی خود را مسیحی بخواند، مرگ «مَن قدیمی» و دریافت حیات تازه، شرط لازم و کافی است. [بدیهی است که تعمید دادن نوزادان و اطفال در بعضی از کلیساها، کاملاً بر ضد این است. زیرا بر خلاف این اصل، به دنیا اعلام می‌کنند که طفل می‌تواند حیات مسیحی را از طریق مراسمی مثل تعمید دریافت کند!]

در بسیاری از کلیساها، هیچ راهی برای شناسایی ایمانداران از غیر ایمانداران نیست، اما وقتی کلیسایی مراسم تعمید را بجا می‌آورد، به همه یادآور می‌شود که کلیسا فقط تجمع گروهی از افراد که به تعالیم مسیحی باور دارند، نیست. بلکه به همه نشان می‌دهد که کلیسا، گردهمایی افرادی است که از مرگ روحانی نجات یافته‌اند و به حیات ابدی رسیده‌اند و جای تعجب نیست که چرا خداوند دستور به انجام آن داده است.

حال که بعضی از فواید بارز تعمید را در نظر گرفتیم، بایستی ببینیم که عمل تعمید دادن مردم در آب چه نکاتی را جلوه گر می‌سازد: در اینجا به چهار نکته اصلی آن اشاره خواهد شد.

غسل تعمید: تصویری چهار گانه

۱. تصویری از اطاعت

اول از همه، تعمید تصویری است از اطاعت و فرمانبرداری. خداوند دعوت می‌کند که «توبه کنید و... تعمید بگیرید» (اعمال رسولان ۲: ۳۸). ما دعوت خداوند را اجابت کرده و در نهانخانه دل، توبه می‌کنیم. بعد در زمان تعمید گرفتن، این اطاعت روحانی را به نمایش عموم می‌گذاریم. این غسل تعمید تصویر کاملی است از اطاعت روحانی!

مردم با خود خواهند گفت: ”چرا این مسیحیان تن به چنین مراسمی می‌دهند؟ چرا این کار ساده و غیر معمول را انجام می‌دهند؟ این کارشان هیچ جایی برای بروز فردیت و آزادی و ابراز عقیده نمی‌گذارد. نه جایی برای تبعیض بین غنی و فقیر در آن است و نه اینکه در طول قرن‌ها شکل آن تحول یافته است. به نظر می‌رسد که این کار را می‌کنند، زیرا عقیده دارند خداوند بدان فرمان داده است.“

همین دقیقاً پیام تعمید است: می‌گوید که خداوند راه نجات را مقرر کرده، راهی که برای همه آدمیان یکسان است. می‌گوید که اطاعت از دعوت خداوند، تنها راه شناخت او است. می‌گوید که گام اول افتادگی و توبه بایستی توسط همه برداشته شود، چه فقیر چه غنی، پیر یا جوان.

غیر ایمانداران ممکن است با خود بیندیشند که: ”اما آیا جای هیچ انعطافی نیست؟ مگر راه‌های فراوانی برای پذیرفته شدن در نزد خداوند وجود ندارد؟ مگر ما نمی‌توانیم گوشه‌ای از غرور و استقلال خود را حفظ کرده و به شیوه خود به سوی بهشت گام برداریم؟“ پاسخ تعمید به این پرسش‌ها منفی است: تنها یک انجیل و یک راه نجات برای همه وجود دارد که بایستی توسط همه پذیرفته شود. مسیحی شدن عبارت است از اطاعت از خداوند به توبه کردن از گناهان گذشته و ایمان آوردن و سر سپردن به فرامین مسیح. تعمید ”اطاعت از راه ایمان“ را به عنوان تنها راه به سوی خداوند، به جلوه می‌کشد.

۲. تصویری از بخشودگی

دوماً تعمید به روشنی تصویری است از بخشودگی، که به ایمانداران و غیر ایمانداران اعلام می‌دارد که لازمه نجات، شسته شدن از گناهان است. وقتی که ایماندار واقعی از آب تعمید بیرون می‌آید، عملاً شهادت می‌دهد که ”خداوند بخشنده“ کاملاً من را از گناهانم پاک ساخته است. لذا تعمید تصویری ارائه می‌دهد، (نه آنهایی که خیال می‌کنند با تلاش بیهوده‌شان قادرند خداوند را خشنود سازند)، بلکه از کسانی که نیاز خود را به بخشش کامل و بدون بهانه اعلام می‌دارند.

طبیعی است که، فرو بردن کامل در آب چنین تصویری از بخشودگی کامل را نشان می‌دهد. اگر تعمید، با پاشیدن چند قطره آب بر سر کسی انجام شود، چگونه می‌تواند

شستشوی کامل از گناهان را جلوه گر سازد؟ آیا این نوع تعمید دادن، پاک شدن جزئی را القاء نمی‌کند؟ فقط یک ذره بخشش و کمی شستشو؟

اگر ما بخشودگی کامل دریافت کرده‌ایم، غسل تعمیدمان نیز بایستی جلوه گری مناسب از آن باشد، چنانکه کلام از ما می‌خواهد. تعمید حقیقی، بازتابی شیوا است از شسته شدن تمامی گناهانمان، که لازمه تحول روحانی است.

۳. تصویری از حیات تازه

سومین حقیقتی که تعمید مصور می‌سازد، همان تغییر بزرگی است که در شخصیت و زندگی فرد رخ داده است. پولس رسول می‌گوید: «پس اگر کسی در مسیح باشد، خلقت تازه‌ای است؛ چیزهای کهنه در گذشت، اینک، همه چیز تازه شده است» (دوم قرنتیان ۵: ۱۷).

تعمید با فرو بردن در آب، به زیبایی این حیات تازه را به تصویر می‌کشد: مثل مراسم خاکسپاری و برخاستن دوباره از مرگ. پولس رسول به این نکته در رساله رومیان ۶: ۳-۴ چنین اشاره می‌کند: «آیا نمی‌دانید که جمیع ما که در مسیح عیسی تعمید یافتیم، در موت او تعمید یافتیم؟ پس چونکه در موت او تعمید یافتیم، با او دفن شدیم تا آنکه به همین قسمی که مسیح به جلال پدر از مردگان برخاست، ما نیز در تازگی حیات رفتار نماییم.» او مرد تا گناهان من را از میان بردارد و «من کهنه» نیز با او مُرد.

پولس کلمات مشابهی را در کولسیان ۲: ۱۲ بکار می‌برد: «و با وی در تعمید مدفون گشتید که در آن هم برخیزانیده شدید به ایمان بر عمل خدا که او را از مردگان برخیزانید.»

این آیات به ایمانداران در روم و کلوسیه یادآور می‌شود که تعمید تصویری است از تجربه حیات نویشان. گویی پولس قدیس به آنها می‌گوید: «آن زمانی را که تعمید شدی بیاد آور! بیاد داشته باش که به چه روشنی کاری را که خداوند برایت انجام داده، نشان می‌دهد.»

تعمید، مرگ زندگی گنه بار گذشته را برای آنها به تصویر می‌کشید. همزمان از رستاخیز آنها (در تولد دوباره) صحبت می‌کرد. تصویری بود از آنهایی که نسبت

به عشق به این جهان (سلطنت تاریکی) مرده بودند و به عنوان اعضای سلطنتی پسر خداوند، رستاخیز کرده بودند.

آیا می‌توان هیچ نوع رسم دیگری را یافت که به این زیبایی، تفسیری را که به واسطه تحول روحانی رخ می‌دهد، به تصویر کشد؟

ایماندار در آب فرو برده می‌شود تا نشان بدهد چیزهای کهنه، مرده و گذشته‌اند، و بیرون می‌آید تا نشان دهد که همه چیز نو شده است. وی با این رسم، شهادت خود را به شکل بصری ارائه می‌دهد. قوم خداوند شاد شده و آنها که ایمان ندارند، با مشاهده و درک حقیقت تحول روحانی به شگفت واداشته می‌شوند.

این جنبه از غسل تعمید توسط بزرگان کلیسا، در گذشته نیز مورد تأکید قرار گرفته، حتی توسط کسانی مثل "جان کالوین" (که به تعمید از راه فرو رفتن کامل در آب اهمیتی نمی‌دادند). بعنوان مثال، کالوین می‌گوید: "تعمید تنها یک شستشو نیست، بلکه نابود ساختن آن من قدیم است ... تعمید یعنی اینکه ما در خود مرده و مخلوقات جدیدی می‌شویم." اما چگونه "پاشیدن یا ریختن آب روی کسی" (برای تعمید وی) می‌تواند مردن و رستاخیز را به نقش در بیاورد؟ تنها شیوه درست و بامفهوم تعمید، همانا از راه "فرو بردن کامل در آب" است.

۴. تصویری از شباهت به مسیح

چهارمین جنبه مهمی که تعمید ارائه می‌دهد، تصویری است از اینکه چگونه ایمانداران حقیقی به شباهت مسیح در می‌آیند. حال، آنها به او تعلق داشته، با او ایستاده‌اند، نمایندگان او هستند، او را دوست داشته، برای او زیسته و به او وفادار خواهند ماند. تعمید، این شباهت را به تصویر می‌کشد، بدینگونه که ایمانداران با گرفتن غسل تعمید، دقیقاً کاری را انجام می‌دهند که او کرد. گویی راه او را قدم بقدم در آب تعمید دنبال می‌کنند.

در فصل ۳ انجیل متی آیات ۱۳ تا ۱۵ می‌خوانیم: «آنگاه عیسی از جلیل به اُردُن نزد یحیی آمد تا از او تعمید یابد. اما یحیی او را منع نموده، گفت، من احتیاج دارم که از تو تعمید یابم و تو نزد من می‌آیی؟ عیسی در جواب وی گفت، الآن بگذار زیرا که ما را همچنین مناسب است تا تمام عدالت را به کمال رسانیم. پس او را وا گذاشت.»

خداوند عیسی مسیح بدون گناه بود و نیازی به تعمید برای نشانه ای از توبه نداشت. پس هدف او از تعمید یافتن چه بود؟ وی به ما می گوید که لازم بود تا همه آنچه را که از او خواسته شده بود، به انجام رساند. جوابگوی این سؤال رساله عبرانیان فصل ۲ آیه ۱۷ است: «از این جهت می بایست در هر امری مشابه برادران خود شود تا در امور خدا کاهن اعظمی کریم و امین شده، کفاره گناهان قوم را بکند».

لازم بود تا مسیح تعمید گیرد تا زندگی او در هر زمینه الگویی کامل باشد تا بعد از آن در جلجتا کاملاً صلاحیت یابد که برای گناهان بشر فدیة شود. بیاد داشته باشیم که او برگزیده شد تا نجات دهنده و رهبر قوم خود باشد. او بایستی کاهن اعظم، پیشرو و همچنین برادر بزرگتر افراد قوم خود می بود.

برای به کمال رسانیدن این اهداف، لازم بود تا خود تمام آنچه را که از قوم خود می طلبید، بجا آورد. در غیر اینصورت چگونه می توانست الگو و پیشرو آن‌ها باشد؟ در زمانهای قدیم فرمانده لشکر در جلو لشکر حرکت می کرد و بقیه او را دنبال می کردند. او می بایست قبل از بقیه از تمام مسیرها و خطرات عبور می کرد و مسیح نیز فرمانده نجات ما است (رساله عبرانیان فصل ۲ آیه ۱۰).

آری! نجات دهنده ما در هر زمینه ای کامل و بدون نقص است. او «در هر امری» وظایفی را که از قوم خودش می طلبد، به شکل کامل به انجام رسانید و به همین دلیل است که غسل تعمید یافت. او به عنوان رهبر ما، بشکل ما درآمد و ما نیز وقتی که تعمید می گیریم، به دنیا می گوئیم که به شباهت خداوندمان درآمده ایم.

آیا هیچ ایماندار می تواند از تعمید گرفتن سر باز زند، وقتی که بره خداوند آن راه را رفته است؟ در زمان تعمید، ما به او، به کلیسا و به دنیا اعلام می کنیم که: «من از نجات دهنده خود پیروی خواهم کرد. محکم به او پیوسته و در راه خداوندی گام بر می دارم که من را دوست داشته و جان خود را برای من فدا کرده است»، دقیقاً همانگونه که کلام خدا در آیه ۴ از باب ۱۴ کتاب مکاشفه می فرماید: «... و آنانند که بره را هر کجا می رود متابعت می کنند...». از آنجا که تعمید با «فرو بردن در آب» متضمن رفتن در آب است، لذا تصویر مناسبی است از رفتن بدنال مسیح و دنباله روی از او و انجام وظایف زندگی مسیحی.

تعمید جلوه بسیار شگفتی است از تعهد ما به مسیح و تمام آنچه که به پادشاهی او مربوط می‌شود. همزمان ما با بقیه قوم خداوند اعلام همبستگی می‌کنیم، با آنهایی که مانند ما راه مسیحیت را برگزیده‌اند، چرا که «جمع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم.»

پیام تعمید:

پیام کاملی که تعمید القاء می‌کند عبارت است از:

۱. تصویری از اطاعت
۲. تصویری از آموزش
۳. تصویری از حیات تازه
۴. تصویری از شباهت به مسیح

تأکید بر این نکته ضروری است که «نحوه تعمید دادن» در ارائه چنین تصویری اساسی است.

آیا میزان آب اهمیت دارد؟ صد البته که دارد. آیا می‌شود گفت که تعمید اهمیت دارد، اما تصویری که جلوه می‌دهد مهم نیست؟ البته که نه. وقتی که این رسم بدون فرو بردن کامل در آب صورت می‌گیرد، تصویر به شکلی واضح تغییر می‌کند. بجز مورد اول از چهار مورد ذکر شده، تنها تعمید از راه "فرو بردن کامل در آب" است که قادر است تصویر کاملی از تعمید ارائه بدهد.

نیابستی انتظار داشت تا هنرمندی که منظره‌ای را به نقش در می‌آورد تنها با چند ضربه قلم مو اثرش را به کمال برساند. به همین نحو نمی‌توان انتظار داشت که پاشیدن چند قطره آب بر سر کسی، تحول روحانی را در او به تصویر درآورد.

تعمید از راه "فرو بردن در آب" و تعمید از راه "پاشیدن آب بر روی کسی و یا ریختن آب بر سر کسی" دو تصویر کاملاً متفاوت ارائه می‌دهند. بدون "فرو بردن کامل در آب" این رسم دینی، معنی عمده و هدف انجیلی خود را از دست می‌دهد.

در صفحات آینده در مورد تعلیم عهد جدید در مورد فرو بردن کامل در آب (که بشکل نمادین در رساله رومیان فصل ۶ آیه ۴ آمده) و همچنین معنی یونانی کلمه

”تعمید“ اشاره خواهیم کرد. اما هدف نمادین تعمید نبایستی جای هیچ شکی در این زمینه باقی بگذارد. زیرا عهد جدید به ما می آموزد که تعمید بایستی چه چیزی را به تماشا بگذارد و فقط یک شیوه تعمید است که این تصویر را فراهم می کند. اگر ”فرو بردن در آب“ را کنار بگذاریم، بخشهای عمده این تصویر از دست می رود: یعنی شستشوی کامل، مرگ و رستاخیز دوباره و پیروی از خداوند.

هرگز نباید فراموش کنیم که تعمید فرمان مسیح برای همه ایماندارانش است. او به ما پیشنهاد یا توصیه نمی کند که تعمید بگیریم. خداوند که خورش را برای ما ریخت، با محبتی که فرای درک ما است به ما چشم دوخته و تعمید را به ما ”فرمان“ می دهد.

اکنون آیا دریافته اید که ناجی ما به انجام تعمید اصرار می ورزد تا برکتی باشد برای کلیسا و دنیا و هم پیامی ماندنی. آیا می خواهید تعمید بگیرید؟

نگاهی مو شکافانه

آنچه در صفحات آتی خواهد آمد، نگاهی عمیق تر است به دلایل اینکه چرا تعمید فقط برای ایمانداران است (و نه برای کودکان)، و چرا همیشه بایستی با ”فرو بردن کامل در آب“ انجام شود. نویسنده، شما را تشویق می کند تا دلایل انجیلی را، که ارائه می شود، در نظر بگیرید، حتی اگر مشکلی با این موضوع ندارید. زیرا بسیار مهم است تا اصول کتاب مقدس را برای هر کاری که انجام می دهیم، بدانیم.

چرا اطفال را غسل تعمید نمی دهیم؟

از آنجا که تعمید تنها برای ایمانداران است، لذا ”کلیسای تعمیدی“ یا باپتیستی، تعمید اطفال را تعمید واقعی – آنگونه که خداوند بدان امر فرموده – بحساب نمی آورد. تنها تعمیدی که در عهد جدید از آن یاد شده ”تعمید ایمانداران“ است. که پیش فرض را بر آن گذاشته که فردی که تعمید می گیرد، آگاهانه اعتقاد به مسیح برای نجات خویش دارد. این نکته از دو آیه ای که در ابتدای این کتابچه به آنها اشاره شد، به روشنی پیداست. در اولین آیه می خوانیم: «پس رفته، همه امتها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح القدس تعمید دهید.» (انجیل متی ۲۸: ۱۹) ”شاگرد ساختن“

هدف اولیه است و متعاقب آن، تعمید دادن.

این شاگرد است که باید تعمید بگیرد: کسی که پیرو معلم خویش است. کسی که به آن درجه از درک و فهم آگاهانه رسیده است.

دومین آیه نیز تعمید را رسمی برای ایمانداران معرفی می‌کند: «...توبه کنید و هر یک از شما به اسم عیسی مسیح بجهت آمرزش گناهان تعمید گیرید...» (اعمال رسولان ۲: ۳۸). در این آیه، تعمید متعاقب توبه کردن است و این بدان معنی است که کسانی که توبه کرده‌اند و آگاهانه به انجیل ایمان می‌آورند، تعمید می‌گیرند.

همچنین در آیات ۱۵ و ۱۶ از فصل ۱۶ انجیل مرقس، خداوند عیسی مسیح به خوبی روشن می‌سازد که تعمید فقط برای ایمانداران است: «پس بدیشان گفت، در تمام عالم بروید و جمیع خلائق را به انجیل موعظه کنید. هر که ایمان آورده، تعمید یابد نجات یابد...»

هیچ طفلی در روایت انجیل تعمید نیافته است. در غلاطیان ۳: ۲۶-۲۸ پولس رسول به صراحت می‌گوید: «زیرا همگی شما به وسیله ایمان در مسیح عیسی، پسران خدا می‌باشید. زیرا همه شما که در مسیح تعمید یافتید، مسیح را در بر گرفتید. هیچ ممکن نیست که یهود باشد یا یونانی و نه غلام و نه آزاد و نه مرد و نه زن، زیرا که همه شما در مسیح عیسی یک می‌باشید.»

در آن روزها، (حدود ۴۹ بعد از میلاد) هیچ طفلی تعمید نمی‌گرفت. فرض پولس بر این است که هر یک از ایمانداران تعمید گرفته و هر کسی که تعمید گرفته بطور آگاهانه ایمان خود را بر مسیح خداوند قرار داده است.

همه کسانی که نامشان در رابطه با تعمید در عهد جدید آمده، ایماندارانی هستند بالغ. حتی از یک طفل هم یاد نشده است.

حال جای سؤال است که پس چرا بعضی‌ها کودکان را تعمید می‌دهند و این رسم از کجا سرچشمه گرفته است؟ در پاسخ باید گفت که این رسم بر اساس یک پیش فرض است. در بعضی از آیات می‌توان چنین فرض کرد که در آن زمان، اطفال هم تعمید گرفته‌اند. به عنوان مثال، چنین فرضی زمانی شده است که زندانبان در فیلمی تعمید

می‌گیرد، (و بر اساس این برداشت) اطفال (اهل خانه) نیز با او تعمید گرفتند. فصل ۱۶ آیه ۳۳ از اعمال رسولان این ماجرا را شرح می‌دهد.

و در فصل ۱۶ می‌خوانیم که او و همه خانواده‌اش تعمید گرفتند. اما از کجا می‌دانیم که او فرزند خرد سالی در خانه داشته؟ نمی‌دانیم! و در کلام هم هیچ نامی ذکر نشده است. خانواده او ممکن است از خدمتکاران و فرزندان بزرگسال تشکیل شده باشند، زیرا زندانبانان رومی اغلب از سربازان قدیمی بودند.

به هر حال، مشکل این نحوه برداشت برای ما وقتی برطرف می‌شود، که تمامی روایت را در نظر بگیریم: پولس و سیلاس کلام خداوند را به همه آنهاپی که در خانه بودند بشارت دادند. به عبارت دیگر، همه آنها بقدر کافی بزرگسال بودند که پیام انجیل را فهمیده و شخصاً به آن پاسخ دهند. همچنین می‌خوانیم که زندانبانان "شادمان" بود. بدون شک همه آنها آگاهانه و به نحوی بسیار شخصی ایمان آورده و بدنبال آن تعمید گرفتند و هیچ کودکی در آن خانه نبوده است.

جای دیگری که فرض بر تعمید دادن اطفال گرفته شده است، اعمال رسولان ۲: ۳۸ است. جایی که پطرس مردم را به توبه دعوت می‌کند تا تعمید گیرند و به هر کس که چنین کند، هدیه روح القدس را وعده می‌دهد. در آیه بعدی پطرس چنین می‌گوید: «زیرا که این وعده است برای شما و فرزندان شما و همه آنانی که دورند...».

آیا این بدان معنی است که کودکان نیز می‌توانند تعمید گرفته و روح القدس را دریافت کنند؟ البته که نه. زیرا "فرزندانی" که در این آیه بدانها اشاره شده، بدون شک نسل‌های آتی می‌باشند که به کلام خداوند ایمان خواهند آورد. آیه کلیدی «از بسیاری که خداوند آنها را بخواند...» است. زیرا در می‌یابیم که اشاره این آیه به کسانی است که هنوز دنیا نیامده‌اند یا در سرزمینهای بسیار دور زندگی می‌کنند. اگر آنها دعوت خداوند را شنیدند و از گناهان خود روی گردان شدند، آنوقت روح القدس را در زندگی خود دریافت خواهند کرد. این وعده برای آنهاپی است که آگاهانه و شخصاً ایمان می‌آورند و از آنها خواسته شده تا با عمل تعمید به نجات خود گواهی دهند.

با تعمید دادن اطفال، معنی واضح این بخش از کلام نادیده گرفته می‌شود. زیرا آنرا

منحصر به کسانی می‌داند که دعوت خدا را شنیده، توبه کرده و روح القدس را دریافت می‌کنند. اطفال نه قابلیت شنیدن دعوت خدا را دارند و نه قادرند به توبه کردن. لذا آن‌ها نمی‌توانند مورد نظر این آیه باشند.

از سوی دیگر در همین فصل از اعمال رسولان در آیه ۴۱ به این نکته که تعمید خاص ایمانداران است، اشاره شده است. زیرا می‌گوید: «پس ایشان کلام او را به خوشحالی پذیرفته...» اطفال نمی‌توانند کلام را با شادی یا خوشحالی (که ناشی از درک کلام است) دریافت کنند.

مارتین لوتر - Martin Luther - (یکی از اصلاحگران بزرگ کلیسا) فکر می‌کرد که شاید اطفال می‌توانند! او گمان می‌برد، در حین اینکه شبان، کلام را در مراسم تعمید به زبان می‌آورد، طفل آنرا شنیده و می‌فهمد. نه با فهم عقلانی (زیرا بسیار خردسال است) بلکه با فهم روحانی. لوتر می‌گفت تا وقتی که کسی بتواند ثابت کند که چنین نیست، او به تعمید اطفال ادامه خواهد داد! کسانی که با این فرضیه لوتر موافقت، بسیار بسیار اندکند - حتی در بین کسانی که نونهالان را تعمید می‌دهند - در "تعمید یک خانواده" هیچ نوزادی حضور نداشته است.

کسانی که تعمید نوزادان را ترویج می‌دهند با استدلال به کلام و به سختی سعی در توجیه کارشان دارند. حتی پروفیسور لوئیس برکاف - Louis Berkhof - در اثر معتبر خود "اصول الهیات" - جدا از اشاره تلویحی به آیه ۱۶ فصل ۱ نامه اول قرن‌تینان - قادر نیست حتی یک نمونه از نوزادی را که تعمید گرفته است مثال بیاورد. پروفیسور برکاف می‌نویسد: "عهد جدید مکرراً صحبت از «تعمید اهل خانه» می‌کند، بدون اینکه این عمل را چیز غیر عادی قلمداد کند." در هر صورت او به ۲ آیه ذکر شده اشاره می‌ورزد که هیچکدام در بر گیرنده نوزادان نیستند.

دیگر نویسندگان، به تعمید خانواده کرنلیوس (اعمال رسولان ۱۰: ۴۸) و خانواده لیدیا (اعمال رسولان ۱۶ آیه ۱۵) اشاره می‌کنند. اما در رد استدلالشان باید گفت که کسانی که در خانه کرنلیوس جمع شده بودند، مطابق کلام "دوستان و نزدیکان" بودند که کلام را شنیدند و نه نوزادان (اعمال رسولان ۱۰: ۲۴ و ۴۴).

در مورد «لیدیا» به نظر نمی‌رسد که او حتی ازدواج کرده باشد، زیرا زمانی که

رسولان را به خانه‌اش دعوت می‌کند بعنوان رئیس خانواده عمل می‌کند و طبعاً خانواده اش شامل خدمتکاران بالغش بودند که ایمان آوردند. تنها در این ۴ مورد است که به «تعمید اهل خانه» اشاره شده و هیچیک شامل اطفال نمی‌شود.

در مورد خانواده استیفان، پولس در همان رساله اول قرن‌تین ۱۶: ۱۵ می‌نویسد که آن‌ها «خویشتن را به خدمت مقدسین سپرده‌اند». آن خانواده خود را کاملاً وقف خدمت به کلیسا و کمک به فقیران کرده بودند، که ثابت می‌سازد، همگی شان بالغ بوده‌اند.

دو موردی که پروفیسور برکاف به آن‌ها تمسک می‌جوید فاقد ارزش هستند و دیگر براهینی که برای تعمید نوزاد به کار می‌برد بسیار ضعیف. (غیر از یک مورد که به آن اشاره خواهیم کرد).

به عنوان مثال، او بدین شکل از موضع خود دفاع می‌کند: «آیا در هیچ جای کتاب مقدس، تعمید دادن کودک منع شده است؟ آیا در جایی از کتاب مقدس اکیدا فرمان داده شده که همه فرزندان ایمانداران که در خانواده مسیحی بدنیا می‌آیند، بایستی ابتدا ایمان آورند تا تعمید گیرند؟ واضح است که چنین فرامینی در کلام نیست.»

مسیحیان نباید دست به اعمالی در کلیسا بزنند، صرف اینکه کلام خداوند آنرا منع نکرده است. بلکه برعکس، ما باید تنها مراسمی را در کلیسا بجا آوریم که خداوند ما را به انجام آن امر کرده است. پروفیسور برکاف بسان بسیاری دیگر، هیچ اهمیتی به آن رابطه‌ای که بین «توبه» و «تعمید» در عهد جدید وجود دارد، نمی‌دهد. آیاتی که به «تعمید» اشاره می‌کنند، جملگی بر این نکته تأکید می‌ورزند که فرد قبل از تعمید باید ایمان آورده باشد.

آیا «تعمید در عهد جدید» همسان «ختنه در عهد قدیم» است؟

برهان دیگری را که در دفاع از تعمید نوزادان بکار گرفته می‌شود، می‌توان به این صورت خلاصه کرد: «پیمان خداوند با ابراهیم و فرزندان او یک 'پیمان روحانی' بود که شامل یک 'نشانه فیزیکی' و 'مهر عضویت' - که همان ختنه نوزادان است - می‌باشد. حال آن عهد و پیمان به نوعی تازه و از طریق کلیسای عیسی مسیح اداره می‌شود که نشانه و مهر عضویت آن 'غسل تعمید' است. از آنجا که این نشانه در عهد

جدید، همسان با ختنه در عهد قدیم است، لذا انتظار می‌رود که فرزندان ایمانداران را نیز شامل شود، همانگونه که در گذشته، ختنه شامل حالشان می‌شد.

مشکل اول در قبول این فرضیه این است که ما مجبور می‌شویم تمام قسمت‌هایی از عهد جدید را که در آنها صحبت از تعمید به عنوان نشانه‌ای از توبه، ایمان و تحول روحانی می‌کند را نادیده بگیریم.

دوماً: چنانکه دیدیم، حتی یک مورد از تعمید نوزادان در عهد جدید وجود ندارد.

سوماً: برابر دانستن تعمید با ختنه مطابق کلام خدا نیست، زیرا حتی یک آیه هم وجود ندارد تا آنرا تأیید و حمایت کند. علی‌رغم آن "پروفیسور برکاف" بسان دیگرانی که به تعمید اطفال عقیده دارند - اصرار دارد که این تعلیم کلام است و می‌گوید: "تعمید جایگزین ختنه شده و مسیح به واضحی به این تحول اشاره کرده است. ... کولسیان ۲: ۱۱-۱۲، ختنه و تعمید را به هم مربوط می‌سازد."

اما چنین نیست! در این آیات، پولس می‌گوید که ختنه و تعمید یکسان و برابر نیستند. او می‌گوید که ختنه فیزیکی نشانه‌ای از نجات نبود، در حالیکه مسیحیان ختنه واقعی را دریافت کرده‌اند (همانا رهایی از قدرت و اسارت گناه) و این ختنه واقعی در تعمید نمایان شده است. به عبارت دیگر، تعمید نمایانگر چیزی بسیار والاتر از "ختنه فیزیکی" است: یعنی همان تحول روحانی.

پولس می‌گوید که تعمید کاملاً متغایر از ختنه بوده و بسیار والاتر از آن است. ختنه به یهودیان یاد آور می‌شد که خداوند چه برکت‌های ویژه‌ای - چون کلام مقدس و حمایت زمینی - به آنها بخشیده است. به ویژه ابراهیم را به یادشان می‌آورد و اینکه چگونه وی برای نجات خود به خداوند اعتماد کرد. رومیان ۴: ۵، ۱۱ به ما می‌آموزد که هدف از ختنه این بود که نشانه‌ای باشد برای ایمان ابراهیم. به عبارت دیگر، ختنه به یهودیان یاد آور می‌شد که برتری نژادی باعث نمی‌شد که آنها قوم خداوند باشد. این تنها از راه "فیض" میسر بود و ایمانی چون ایمان پدرشان ابراهیم. ختنه هرگز نشانه‌ای از آن نبود که آنها "نجات یافته‌اند" صرف اینکه یهودی بدنی آمده‌اند! ختنه هرگز نشانه این نبود که فرد ختنه شده، توسط خداوند از گناه باز خرید شده است، در حالیکه "تعمید" دقیقاً چنین نشانه‌ای است و لذا کاملاً متغایر و برتر از "ختنه" است.

این دو بایستی همیشه با هم "مقایسه" شوند و نه اینکه آن‌ها را "همسان" بخوانیم. ختنه نشانه‌ای بود بر آن برکات خاص و راهنمایی به سوی "ایمان ابراهیم" (نه خودشان!) لذا اطفال ختنه می‌شدند. اما از آنجا که تعمید نشانگر "تحول روحانی" است، تعمید دادن نوزادان کاملاً بی جا و نا مورد است.

باید یاد آوری کرد که تنها جایی که در کلام تعمید و ختنه با همدیگر ذکر شده‌اند (کولسیان ۲: ۱۱-۱۲) این دو با هم "مقایسه" شده‌اند و توسل به این آیات، طرفداران تعمید دادن به نوزادان را به هیچ وجه حمایت نمی‌کند. کلام می‌گوید که این دو نشانه با هم کاملاً متفاوتند، تمام یهودیانی که در عهد قدیم ختنه شده بودند، شامل پیمان فیض خداوند نمی‌شدند. زیرا مطابق کلام "پیمان فیض" ایماندارانی را در بر می‌گیرد که به قدوسیستی که توسط خداوند نجات دهنده فراهم شده، ایمان آوردند و چنین افرادی هرگز نجات خود را از دست نمی‌دهند. در حالیکه شمار زیادی از یهودیان در عهد قدیم، مردمی بی‌ایمان، خطاکار و گمراه بودند که هیچ نشانه‌ای از اثر تعمید دهنده "فیض" در دل‌هایشان دیده نمی‌شد و همگی آنها مجازات و نابود شدند تا خطاری برای دیگران باشند. واضح است که خداوند هرگز "ختنه" را به عنوان نشانه‌ای از نجات یا فیض خود به آن‌ها نبخشید تا آن‌ها را تشویق به سرکشی و گمان باطل سازد.

بی‌شک "پیمان فیض" در عهد قدیم نیز جاری بود، منتهی در زندگی تک تک افراد ایماندارانی که به رحمت خداوند توکل داشتند و ایمان داشتند که او نجات دهنده‌ای را خواهد فرستاد. (چنانکه ابراهیم نیز بر این باور بود.) هدف از "پیمان قومی یهود" که همه یهودیان را شامل می‌شد، متفاوت از هدف "پیمان فیض" است که فقط شامل ایمانداران واقعی تمام اعصار می‌شود.

نحوه تعمید دادن: فروبردن کامل در آب

آیا فرو بردن کامل در آب ضروری است؟ کسانی که نوزادان را تعمید می‌دهند معمولاً بر علیه تعمید بر شیوه فروبردن کامل در آب استدلال کرده و نحوه تعمید دادن را بی‌اهمیت می‌شمارند. اغلب از زبان این دوستان به نحو شوخ طبعانه‌ای می‌شنویم که "کلیسای تعمیدی" - یا ایمانداران باپتیستی - درباره میزان آب، جار و جنجال به پا می‌کنند.

اما اگر تعمید به عنوان، رسمی دینی توسط خداوند طراحی شده، بدیهی است که نحوه اجرای آن از اهمیت والایی برخوردار می‌باشد. چنانچه پیشتر توضیح داده شد، میزان جزئی آب، به صورت کلی "پاک شدن" را نشان می‌دهد و نه چیزی بیشتر، و در نتیجه معنای ژرف پیام تعمید از دست می‌رود.

اگر درباره میزان آب جای تردید داریم بایستی جانب احتیاط را در نظر بگیریم زیرا در انجیل یوحنا ۳: ۲۳ می‌خوانیم: «و یحیی نیز در عینون، نزدیک سالیم تعمید می‌داد زیرا که در آنجا آب بسیار بود و مردم می‌آمدند و تعمید می‌گرفتند». "جان کالوین" - John Calvin - مفسر بزرگ کلام هر چند که تعمیدی نبود اما کاملاً عقیده داشت که این آیه به "فرو بردن در آب" اشاره دارد. وی می‌نویسد: "از این کلمات می‌شود نتیجه گرفت که تعمیدی که توسط عیسی مسیح و یحیی انجام می‌گرفت با 'فرو بردن کامل در آب' اجراء می‌شد. در اینجا در می‌یابیم که تعمید به چه شیوه انجام می‌شد ... زیرا آن‌ها تمامی بدن را در آب فرو می‌بردند."

معنی لغوی "تعمید"

این کلمه که در زبان یونانی "بپتیزو" - baptizo - است و معادل انگلیسی آن از همان ریشه گرفته شده، که به معنی "فرو بردن کامل"، "احاطه ساختن" و "غرق کردن" می‌باشد. در مورد معنی لغوی این کلمه که در لغتنامه‌ها آمده، جای هیچگونه بحثی نیست. معنی دیگر این کلمه "رنگ کردن است" زیرا این کار در قدیم با فرو بردن پارچه در رنگ صورت می‌گرفت. کلمه "تعمید" هرگز توسط یهودیان یا یونانی‌ها به معنی "شست و شو" به کار گرفته نمی‌شد. عده‌ای بر این عقیده‌اند که "تعمید مسیحی"، فرمی ساده شده از مراسم تشریفاتی شست و شوی عهد قدیم است. به عنوان مثال، یهودیان مراسم شست و شوی خاصی داشتند برای آن‌هایی که به دین یهود می‌گرویدند. آن شخص اگر مذکر بود ختنه شده و بعد با شرایط خاصی، شست و شو و پاکیزه می‌شد. اما این مراسم هرگز "تعمید" خوانده نمی‌شد.

تعمید در عهد جدید رسمی تازه بود که یحیی تعمید دهنده آن را بنا گذاشت. او تنها کسانی را تعمید می‌داد که به پیام او ایمان آورده، توبه کرده و حاضر بودند تا در منظر عام اعتراف کنند که به انتظار آمدن مسیحا هستند. بعلاوه - تا آنجا که از کلام پیداست - یحیی هرگز نوزادان را تعمید نمی‌داد.

هر چند که معنی لغوی "تعمید" - در زبان اصلی - بایستی هر گونه بحثی را منتفی سازد، اما کسانی که با دیگر شیوه‌ها تعمید می‌دهند، براحتی نمی‌پذیرند که این تنها معنی کلمه "تعمید" است و بر این باورند که این لفظ می‌تواند به صورتی "انعطاف پذیر" بکار گرفته شود. اما استدلالشان بسیار ضعیف بوده و قادر نیستند که ثابت کنند "تعمید" معنی دیگری غیر از "غوطه ور ساختن یا فرو بردن" دارد.

لغت "تعمید" در زبان کلاسیک یونانی

پروفسور برکاف و مفسران دیگر، اغلب ادعا دارند که اسم و فعل "تعمید" در زبان یونانی کلاسیک به نحوه‌های مختلفی بکار رفته، منجمله شستشو و مراسم پاکسازی. در اینجا، بجا است که به مطالعه بسیار عمیقی که حدود یک قرن پیش توسط پروفسور توماس جفرسون کونان (T. J. Conant) از مترجمین برجسته انجیل و الهی دان صورت گرفته اشاره کرد. وی که یکی از متخصصین ادبیات کلاسیک بود، در تحقیق مشهورش تحت عنوان *Baptizein*، تک تک جاهایی که در ادبیات یونانی کلمه "تعمید" بکار گرفته شده را - از قدیمی‌ترین کتاب‌ها موجود تا عهد جدید و زمان خودش - بررسی می‌کند. هدف او این بود که یک بار و برای همیشه ثابت کند که آیا این کلمه به معنی دیگری غیر از "فرو بردن و غوطه ور ساختن" بکار رفته یا نه. او در این اثرش تمام موارد را تک به تک ذکر می‌کند و ثابت می‌سازد که حتی در یک مورد این کلمه جز به معنای "غوطه ور ساختن، فرو بردن" بکار نرفته است. حتی در جایی که این کلمه بصورت "کنایه" بکار رفته، چون غوطه ور شدن در مستی یا بدهکاری، بوضوح روشن است که منظور نویسنده "غرق شدن" یا "احاطه شدن کامل" در آن است. این کلمه هرگز به معنای دیگری در زبان کلاسیک بکار گرفته نشده است. لذا تعمید یعنی فرو بردن و نحوه انجام آن نیز با فرو بردن کامل در آب است.

آیا تصویر "مدفون ساختن" مورد نظر بوده است؟

در دو مورد ذکر شده از کلام خداوند، دیدیم که تعمید به عنوان تصویری از دفن شدن و رستاخیز است (رساله رومیان ۶ و کولسیان ۲). زبان تصویری که بکار گرفته شده، بسیار قوی است و نمی‌توان آنرا نادیده گرفت.

تعمید نوزادان - نظریه‌های متفاوت

خواننده شاید آگاه نباشد که بین گروه‌هایی که اطفال را تعمید می‌دهند در مورد اینکه "تعمید" چه معنی می‌دهد، اختلاف نظر است. حداقل پنج نظریه در این مورد وجود دارد، در حالی که در بین آن‌ها که ایمانداران را تعمید می‌دهند، تنها یک نظریه وجود دارد. حال به صورت بسیار ساده، این عقاید مختلف را بیان می‌داریم:

هر چند در زمان اصلاحات کلیسا، "تعمیدی‌ها" زیاد بودند اما رهبران اصلی اصلاح‌گرا، به روشی که کلیسای کاتولیک عمل می‌کرد (تعمید دادن اطفال) پایبند ماندند، هر چند در معنی آن با آن‌ها اختلاف نظر داشتند. این تفاوت نظرها خواه ناخواه ضروری بود زیرا تعمید دادن اطفال با تعالیم اصلاح‌گرا در تضاد بود. به عنوان نمونه تأکید اصلاح‌گرا به روی "پارسا شمردگی از راه ایمان" بود. اما "ایمان" یک طفل کجا بود؟

"مارتین لوتر" عقیده داشت که طفل از راه دریافت تعمید، تولد روحانی می‌یابد و ایمان را والدینش از جانب او به عمل می‌آوردند. او بر این باور بود که هر چند اطفال "فهم عقلی و منطقی" ندارند. اما می‌توانند دارای نوعی "فهم روحانی" باشند. او اذعان داشت اگر بتوان ثابت کرد که اطفال فاقد این "فهم روحانی" هستند، در نتیجه تعمید دادنشان حالتی کفر آمیز خواهد داشت. این تفکر وارد "کلیسای اسقفی انگلستان" نیز شده و زمانی که کشیش طفل را تعمید می‌دهد می‌گوید: "... این طفل تولد روحانی یافته و به بدن مسیح پیوند خورده است ..." نسل‌های بعد ایمانداران در کلیساهای لوتری و کلیسای اسقفی انگلستان ایراد بزرگی در این جملات یافتند زیرا بسیاری از اطفال تعمید یافته در کلیساهایشان، در آینده بی‌ایمان ماندند!

نظریه "جان کالوین" کاملاً متفاوت است با "لوتر". او عقیده داشت که فرزندان ایمانداران، در رحم مادرشان تحول روحانی می‌یابند و نیازی به تعمید برای ایجاد آن ندارند. هدف از تعمید به گمان او، تنها نشانه‌ای بود به واقعیتی که قبلاً رخ داده است. اما علی‌رغم این نظریه، واضح است که تمامی فرزندان ایمانداران، نشانه‌های تحول روحانی را در زندگی بعد از بلوغ نشان نمی‌دهند: تعدادی در آینده ایمان می‌آورند و برخی نه.

بسیاری از پیروان "کالوین" این نظریه را پذیرفته‌اند. عده‌ای می‌گویند که آن‌ها تنها

”فرض“ می‌کنند که فرزند یک ایماندار ”تحول روحانی“ یافته و بدین نحو راه را باز می‌گذارند برای آن‌هایی که هرگز ایمان نمی‌آورند. عده دیگری از تعمید به عنوان ”وعده نجات“ یاد می‌کنند. عده دیگری می‌گویند که آن‌ها فرض نمی‌کنند که طفل تحول روحانی یافته، بلکه فرضشان این است که طفل ”جزو برگزیدگان“ است.

همه این فرضیه‌ها، به نحوی این امکان را باقی می‌گذارد برای این واقعیت که اطفال ”ایمانداران کوچولوی مسیحی“ نیستند. مشکل همچنان بجا می‌ماند و سؤال این است که هدف از تعمید دادن نوزادان چیست؟

بسیاری از کسانی که اطفال را تعمید می‌دهند، با نظریه‌های ذکر شده موافق نیستند. آنها می‌گویند: ”ما نمی‌دانیم که تعمید به چه اشاره دارد، به گمان ما مهم نیست که بدانیم. ما به سادگی باور داریم که این کار خوب است و باید صورت گیرد.“ پروفیسور جان ماری (Prof. John Murray) در کتاب خود ”تعمید مسیحی“ می‌نویسد: ”چرا نوزادان را تعمید می‌دهیم؟ ... برای ما همین مهم است که این امری است در پاسخ به یک نهاد خدایی ... و اگر دلیل دیگری چون ’تحول روحانی‘ یا ’گزینش الهی‘ را مبنای آن بدانیم، نه تنها دلیلی برای آن در دست نیست، بلکه مشکلاتی را به پرسش اصلی اضافه می‌کنیم.“

مبشران و الهی دانان صاحب نامی که به تعمید اطفال عقیده دارند، در حل دو مشکل در مانده‌اند:

- ۱- چگونه می‌توان فردی را تعمید داد که ”اعتراف به ایمان“ نکرده است؟
- ۲- تعمید دقیقاً به چه نکته‌ای اشاره می‌کند؟

با این برداشت‌های متفاوت، دیدگاه کسانی که نوزادان را تعمید می‌دهند، دیدگاهی یگانه نیست بلکه متشکل از نظریه‌های متفاوت است. از ایماندارانی که بر این باورند، بایستی سؤال کرد که آنها به کدام نظریه باور دارند، نظر لوتر، کلوین یا دیگری؟

چند نکته تاریخی درباره تعمیدی‌ها

یقین است که رسولان خداوند و مبشرین اولیه کلیسا، تنها ”ایمانداران“ را و آنهم

همیشه از راه "فرو بردن" در آب تعمید می‌دادند. تعمید اطفال در ادبیات مسیحی، اولین بار در مقاله‌ای به قلم "ترتولیان" (Tertullian) به چشم می‌خورد که بین سالهای ۲۰۰ تا ۲۰۶ بعد میلاد نوشته شده است. در این اثر تنها چند جمله دربارهٔ تعمید اطفال نوشته شده و نویسنده به شدت علیه آن است.

اما به هر صورت، در طی ۲۰۰ سال بعدی، تعمید اطفال عملی فراگیر شد. چنانکه انتظار می‌رود نحوه اصلی تعمید - یعنی تعمید ایمانداران - از میان نرفت و تاریخ حضور «تعمیدی‌ها» را در قرن اول بعد مسیح نشان می‌دهد.

جالب است بدانیم مسیحیان اولیهٔ ساکن انگلستان - قبل از آمدن "آگوستین" (Augustine) در ۵۹۶ بعد میلاد اطفال را تعمید نمی‌دادند. تعداد "تعمیدی‌ها" در قرن ۱۲ میلادی در انگلستان زیاد بود. ۳۰ نفر از آنها در نزدیکی آکسفورد در سال ۱۱۵۸ میلادی به فرمان پادشاه هنری دوم، داغ آهنین بر پیشانی‌شان زده شده، برهنه شده، به شلاق کشیده شدند و در سرمای زیر صفر رها شدند تا به شهادت برسند.

جان ویکلیف (John Wycliffe) - ستارهٔ سحر اصلاح‌گری - مخالف تعمید اطفال بود.

در زمان اصلاح‌گری کلیسا، تعداد تعمیدی‌ها در انگلستان به حدی زیاد شد که "هنری هشتم" (پادشاه وقت) دست به تمهیداتی زد تا جلوی گسترش آنها را بگیرد. در زمان سلطنت "ملکه ماری" (Queen Mary) دو سوم کسانی که "به آتش سوزانده شدند" و در راه ایمانشان جان باختند، "تعمیدی" بودند. اولین و آخرین شهیدان کلیسا که در انگلستان به آتش سپرده شدند، "تعمیدی" بودند. آخرین آنها در سال ۱۶۱۲ میلادی به شعله‌های آتش سپرده شد.

در تاریخ انگلستان، "تعمیدی‌ها، بیش از هر فرقه دیگر در میان ارتش شهیدان" به علت پایداریشان به کلام خداوند، قلم خورده‌اند.

امروزه در میان ایمانداران مسیحی، اکثریت غالب با کسانی است که ایمان آورندگان را از راه "فرو بردن کامل در آب" تعمید می‌دهند.

نمونه انتشارات بشارتی و آموزشی:

انجیل یوحنا

انجیل یوحنا یکی از چهار اناجیل در عهد جدید می‌باشد. با خواندن این انجیل بنوشته یوحنا رسول، شما با خداوند عیسی مسیح آشنا خواهید شد. "این قدر نوشته شد تا ایمان آورید که عیسی، مسیح و پسر خدا است و تا ایمان آورده، به اسم او حیات یابید." (انجیل یوحنا، فصل ۲۰، آیه ۳۱)

شروعی تازه

در دنیا به جز محکومیت به خاطر گناه، احساس شک و وسوسه مشکلات عمومی‌تر و فوری‌تری وجود ندارد. "چگونه ممکن است که گناهام بخشیده شده و تقصیراتم پاک شود؟ چگونه مطمئن باشم که دارای حیات ابدی هستم و همچنین خود را فریب نمی‌دهم؟ چگونه ممکن است که از زندگی مسیحی لذت برده و فراتر از شکست‌ها و ناامیدی‌ها زندگی کنم؟" اینها پرسشهایی هستند که پاسخ‌هایشان را در این کتابچه کوچک با استفاده از کتاب مقدس پیدا خواهید کرد.

نجات دهنده جهان: مطالعه روزانه از انجیل یوحنا

روز به روز همانطور که شما مژده نیکی را راجع از انجیل یوحنا رسول می‌خوانید، این یادداشت‌های مطالعاتی توجه را به آموزش‌های مهم آن انجیل به خداوند عیسی مسیح جلب می‌کند. همچنین در آخر هر قسمت پاسخ و واکنش‌های مفید و عملی شما را به آنچه که خوانده‌اید تشویق می‌کند.

هفت نشانه قطعی تحول روحانی

"آیا نشانه‌های قابل تشخیصی دال بر اینکه، تحول روحانی رخ داده وجود دارد؟ چگونه حق جویان می‌توانند دریابند که خداوند در دل‌هایشان کار کرده است؟..." این کتابچه راهنمایی به نشانه‌هایی از تحول روحانی حقیقی برای کسانیست که به رستگاری خود شک دارند، و همچنین برای استفاده مشاوران روحانی می‌باشد.

[این کتابچه‌ها را برای حق جویان ارسال خواهیم کرد. لطفاً برای درخواست آنها با ما به آدرس زیر تماس بگیرید.]

<http://www.parsaweb.org>

post@parsaweb.org